

بعید است این روسری نیم‌بند که فلسفه پوشش اسلامی را هم تأمین نمی‌کند آنقدر مزاحم باشد که افرادی برای حذف آن حاضر به در خطر قرار دادن خود باشند؛ هدف، بالاتر از این حرف‌هاست.

کسی نمی‌تواند بگوید نوع پوشش من فقط به خودم مربوط است؛



به گزارش اسپادانا خبر، علی مطهری در یادداشتی با عنوان «حجاب اختیاری یا برهنگی؟» نوشته است:

آنچه امروز تحت عنوان حجاب اختیاری مطرح است و رسانه‌های خارجی به آن دامن می‌زنند، ظاهری دارد و باطنی و به قول شاعر «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی». ظاهر قضیه این است که می‌خواهیم در داشتن روسری آزاد باشیم. اما وقتی تعمق می‌کنیم می‌بینیم بعید است این روسری نیم‌بند که فلسفه پوشش اسلامی را هم تأمین نمی‌کند آنقدر مزاحم باشد که افرادی برای حذف آن حاضر به در خطر قرار دادن خود باشند، بلکه هدف، بالاتر از این حرف‌هاست و آن اینکه بعد از حذف روسری نوبت به پوشش‌های دیگر می‌رسد تا به نقطه آخر یعنی خیابانهای اروپا و آمریکا و شمال تهران در زمان رژیم گذشته برسیم، چیزی که تحقق آن همان و بیرون رفتن روح فتوت و رشادت و شجاعت و آرمان‌خواهی از وجود جوانان و میانسالان و کهنسالان همان.

وقتی از طرفداران حجاب اختیاری سؤال می‌کنیم مرز این اختیار کجاست، پاسخی ندارند جز اینکه جامعه اروپا و شهرهایی مثل آنتالیا را نشان بدهند و در نهایت بگویند برهنگی، که بیماری امروز دنیای ماست و به عقیده محققان اجتماعی مدیریت جهانی آن با صهیونیسم است چرا که تا هفتاد هشتاد سال پیش حتی زنان اروپا نیز از پوشش قابل قبولی حتی با روسری برخوردار بودند و این وضعیت رسوا مربوط به حدود نیم قرن اخیر است.

متأسفانه برخی محترمین نیز به این موضوع دامن می‌زنند. حجت‌الاسلام ایازی با استناد به نقل قولی از استاد حکیمی مدعی شده‌اند که شهید آیت‌الله مطهری طرفدار حجاب اختیاری بود، در حالی که همان نقل قول نیز دالّ بر این مطلب نیست. طبق نقل آقای حکیمی، در موضوع قانونی شدن پوشش اسلامی در ادارات دولتی در ماه اول پیروزی انقلاب اسلامی، استاد مطهری گفته‌اند «طرح مسئله حجاب زود بود» و بعد فرموده‌اند «من خدمت امام رفتم و گفتم الان وقت این نبود که شما این مسئله را مطرح کنید.» در یادداشتی هم که زمان شهادت آیت‌الله مطهری در جیب لباس ایشان یافت شد و در آن، مطالبی که بنا بوده با امام خمینی(ره) مطرح کنند یا مطرح کرده بودند فهرست شده، از جمله آمده است: «پیشنهاد آقای تهرانی (آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی) و حجاب استاندارد شده» و «توقیف اجرای حدود اسلامی به برقرار شدن نظامات اسلامی».

از مجموع اینها برمی‌آید که نظر استاد مطهری این بوده است که مطرح شدن الزام حجاب در اسفند 1357 زود هنگام بوده و می‌بایست بعد از استقرار نسبی نظامات اسلامی در کشور مطرح شود، نه این که ایشان موافق حجاب اختیاری بوده‌اند.

اما کسانی که سنگ حجاب اختیاری را به سینه می‌زنند باید بدانند که بانوان ما با آنها همراهی نخواهند کرد زیرا آنها پوشش اسلامی را انتخاب و اختیار کرده‌اند و آن را از نظر بالا رفتن ارزش و احترام زن و آرامش روانی جامعه و افزایش نیروی کار جامعه و استحکام کانون خانواده، بهتر و برتر از بی‌حجابی می‌دانند و آثار بی‌حجابی را بهتر از مردان می‌دانند.

به یاد دارم در ماههای اول پیروزی انقلاب اسلامی، تلویزیون با یک کارمند زن درباره پوشش جدیدش مصاحبه می‌کرد. او

می‌گفت از مسئولان کشور تشکر می‌کنم که ما زنان اداری را از یک رقابت سخت در ادارات نجات دادند. ما قبل از انقلاب، هر روز صبح پیش از آمدن به اداره یک ساعت آرایش می‌کردیم و به خود می‌رسیدیم تا از رقای خود در اداره عقب نمانیم، امروز همه با یک لباس ساده و پوشش مناسب و بدون آرایش به اداره می‌رویم و از آن رقابت نفس‌گیر راحت شدیم.

کسانی که از حجاب اختیاری سخن می‌گویند مفاسد ناشی از بی‌حجابی دوره رژیم گذشته را فراموش کرده‌اند یا سنشان اقتضا نمی‌کند که به یاد آورند، که برخی از آنها قابل ذکر کردن نیست. فاجعه اندلس را که طی آن غریبها سرزمین اندلس را به گفته خودشان به کمک دو عنصر زن و شراب از دست مسلمانان خارج کردند و مرتکب جنایتهای وحشتناک شدند نباید فراموش کنیم.

اصرار رژیم گذشته بر بی‌حجابی و دایر کردن مراکز فحشاء و کاخهای جوانان، یک سیاست حساب شده بود که جوانان فیلشان یاد هندوستان نکنند. هر نظام سیاسی که می‌خواهد مردمش او را راحت بگذارند، به اشاعه بی‌بند و باری می‌پردازد تا مردم مشغول باشند و او به کارش بپردازد. اگر جمهوری اسلامی بر پوشش اسلامی تأکید دارد گذشته از این که دستور اسلام است، بدین علت است که خیر دنیا و آخرت مردم خود را می‌خواهد و نسبت به سعادت اخلاقی و روحی مردم خود نیز احساس مسئولیت می‌کند و مانند یک حکومت سکولار نسبت به اخلاق و عقاید مردم بی‌تفاوت نیست و خود را تنها متعهد به تأمین معاش مردم نمی‌داند.

برخی از طرفداران حجاب اختیاری برای اثبات ادعای خود به اختیاری بودن نماز و روزه استناد می‌کنند که هرکس که نماز نخواند یا روزه نگرفت گناهش پای خودش است و ما مأمور به الزام نیستیم. به این افراد باید گفت رعایت پوشش اسلامی که شامل زن و مرد می‌شود و به دلایلی برای زن حدود بیشتری دارد، در دو حوزه قابل بحث است، یکی در حریم خصوصی و دیگر در اجتماع. در حریم خصوصی مانند محل سکونت، حکم الزام یا اختیار حجاب مانند حکم نماز و روزه است و کسی نمی‌تواند الزام ایجاد کند و اساساً الزام شدنی نیست. اما در حوزه اجتماع، مسئله حجاب و پوشش قابل قیاس با نماز و روزه نیست چرا که بی‌حجابی آثار مستقیم خاص خود را دارد و در اینجا حق اجتماع مطرح می‌شود و کسی نمی‌تواند بگوید نوع پوشش من فقط به خودم مربوط است.

به هر حال کسانی که این روزها بر طبل حجاب اختیاری می‌کوبند در تقسیم اول دو دسته‌اند یکی گروهی که هدف سیاسی دارند و رسانه‌های خارجی پیگیر کار آنها هستند، گروه دوم کسانی که هدف سیاسی ندارند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: افرادی که در امور دینی سهل‌انگار و به دنبال راحتی و بی‌قیدی هستند که در میان آنها به تعبیر شهید مطهری مردان شکارچی نیز حضور دارند که با شعار آزادی زن، دنبال شکارهای خود هستند؛ و دسته دیگر کسانی که از روی حسن نیت و اعتقاد، فکر می‌کنند حجاب اختیاری به نفع جامعه است. خطاب این مقاله بیشتر به این افراد است.

برچسب ها: [حجاب](#) [1]